

# انسان شناسی

در  
ابعاد فلسفی، عرفانی و علمی

نگارش:  
**A-PDF**

کبری مشایخی  
**Watermark**



انتشارات مینوفر

Minufar Publications

مشهد مقدس - ۱۳۹۴

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

: مشایخی، کبری، ۱۳۵۱ -

: انسان‌شناسی در ابعاد فلسفی، عرفانی و علمی/ نگارش کبری مشایخی.

: مشهد: مینوفر، ۱۳۹۲.

: ۲۲۰ص.

: علوم انسانی: ۵۰۱.

: ۱۲۰۰۰۰ ریال : 978-600-95772-8-6

: فیبا

: کتابنامه، ص. ۲۰۸-۲۲۰: همچنین به صورت زیرنویس.

: ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، ۲۷۰ - ۳۲۸ق. -- سهم در انسان‌شناسی

: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۳ - ۶۷۳ق. -- معلومات-- انسان‌شناسی

: داروین، چارلز رابرت، ۱۸۰۹ - ۱۸۸۲م. -- دیدگاه درباره انسان‌شناسی

: انسان‌شناسی -- مطالعات تطبیقی

: انسان‌شناسی فلسفی

: انسان (عرفان)

: الف ۵م/۸GN۳۳ ۱۳۹۴

: ۰۱/۳۰۱

: ۳۹۳۱۴۹



انتشارات مینوفر  
Minufar Publications

Watermark

تألیف: کبری مشایخی

ناشر: مینوفر

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد - قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۷۲-۸-۶

انتشارات مینوفر: مشهد، ۰۹۳۵۲۱۶۲۷۵۵ و ۰۵۱-۳۸۲۲۳۵۵۳

سایت: www.minufar.ir - - ایمیل: minufar@yahoo.com

## فهرست مطالب

|                                                                        |    |
|------------------------------------------------------------------------|----|
| مقدمه.....                                                             | ۱۵ |
| درآمد.....                                                             | ۱۹ |
| فصل اول: کلیات.....                                                    | ۲۷ |
| تعاریف و ادبیات تحقیق.....                                             | ۲۸ |
| تعریف انسان شناسی.....                                                 | ۲۸ |
| معانی لغوی و اصطلاحی انسان.....                                        | ۲۸ |
| واژه «انسان» از نظر اهل لغت.....                                       | ۲۸ |
| جایگاه و اهمیت بحث انسان شناسی.....                                    | ۳۰ |
| ارتباط انسان شناسی با خداشناسی و جهان شناسی.....                       | ۳۱ |
| ارتباط انسان شناسی با علوم دیگر.....                                   | ۳۲ |
| فلسفه شناخت انسان.....                                                 | ۳۳ |
| تفاوت روش شناسی و هستی شناسی انسان از سه منظر فلسفی، عرفانی، علمی..... | ۳۴ |
| روش شناسی.....                                                         | ۳۴ |
| روش شناسی فلسفی.....                                                   | ۳۴ |
| روش شناسی عرفانی.....                                                  | ۳۵ |

|    |                                                |
|----|------------------------------------------------|
| ۳۶ | روش شناسی علمی                                 |
| ۳۷ | هستی شناسی                                     |
| ۳۷ | هستی شناسی فلسفی                               |
| ۳۸ | هستی شناسی عرفانی                              |
| ۳۹ | هستی شناسی علمی                                |
| ۴۱ | شرح حال و زندگی نامه                           |
| ۴۱ | ابن سینا                                       |
| ۴۴ | مولوی                                          |
| ۴۶ | داروین (Darwin)                                |
| ۴۹ | فصل دوم: انسان شناسی فلسفی                     |
| ۵۰ | انسان شناسی ابن سینا                           |
| ۵۱ | تعریف و ماهیت نفس                              |
| ۵۲ | معنای لغوی نفس                                 |
| ۵۲ | تعریف نفس در عبارات شفا به مای شارحه           |
| ۵۲ | تعریف نفس به مای حقیقیه                        |
| ۵۳ | تعریف نفس از دیدگاه ارسطو                      |
| ۵۳ | تعریف نفس از دیدگاه ابن سینا                   |
| ۵۳ | تعریف نفس از دیدگاه ابن سینا به اعتبارات مختلف |

|    |                               |
|----|-------------------------------|
| ۵۴ | قیود به کار رفته در تعریف نفس |
| ۵۶ | قوای نفس                      |
| ۵۸ | اثبات وجود نفس                |
| ۵۹ | دلایل اثبات وجود نفس          |
| ۵۹ | برهان طبیعی                   |
| ۵۹ | برهان پسیکولوژی               |
| ۶۰ | برهان انسان معلق در هوا       |
| ۶۱ | تجرد نفس                      |
| ۶۲ | دلایل تجرد نفس                |
| ۶۲ | نفس محل صور معقوله            |
| ۶۲ | نفس موضوع علم                 |
| ۶۳ | حدوث نفس                      |
| ۶۴ | اثبات حدوث نفس                |
| ۶۷ | جوهریت نفس                    |
| ۶۸ | اثبات جوهریت نفس              |
| ۷۰ | خلود و جاودانگی نفس           |
| ۷۰ | پیشینه مسئله خلود نفس         |
| ۷۱ | اثبات خلود و بقاء نفس         |
| ۷۱ | برهان بر عدم فساد نفس         |

- ۷۳..... دلایل ابن سینا بر بقای نفس
- ۷۴..... مراتب نفس
- ۷۴..... نفس نباتی
- ۷۴..... نفس حیوانی
- ۷۵..... نفس انسانی
- ۷۵..... روحانیت نفس
- ۷۶..... ارتباط نفس با بدن
- ۸۰..... نتیجه گیری فصل دوم
- فصل حقیقی و ما بهالامتیاز انسان از سایر موجودات چیست؟ یا ملاک و مناط انسانیت انسان چیست؟..... ۸۰
- حقیقت انسان خاصه از نظر روحی و معنوی اما بری تکامل پذیر است یا تکامل ناپذیر؟..... ۸۱
- ۸۱..... مبدأ و نحوه نخستین انسان چگونه بوده است؟
- ۸۳..... فصل سوم: انسان شناسی عرفانی
- ۸۴..... انسان از منظرهای گوناگون
- ۸۵..... انسان از منظر عرفان
- ۸۷..... اهمیت انسان شناسی از دیدگاه مولوی
- ۸۹..... انسان در عرفان مولوی
- ۹۲..... نماد انسان در مثنوی مولوی

|          |                                                          |
|----------|----------------------------------------------------------|
| ۹۴.....  | اجزا وجودی انسان در عرفان مولوی.....                     |
| ۹۶.....  | انسان عالم صغیر و آینه صفات الهی.....                    |
| ۹۷.....  | انواع مخلوقات و جایگاه انسان در میان آن ها.....          |
| ۱۰۰..... | مبدأ و نحوه پیدایش نخستین انسان.....                     |
| ۱۰۱..... | سیرمراتب خلقت و پیدایش نخستین انسان از دیدگاه مولوی..... |
| ۱۰۴..... | انسان کامل.....                                          |
| ۱۰۴..... | پیشینه انسان کامل.....                                   |
| ۱۰۶..... | چیستی انسان کامل.....                                    |
| ۱۱۰..... | وجوه انسان کامل.....                                     |
| ۱۱۱..... | انسان کامل اساس خلقت.....                                |
| ۱۱۳..... | انسان کامل در عرفان مولوی.....                           |
| ۱۱۷..... | مولوی در جستجوی انسان کامل.....                          |
| ۱۱۹..... | تصویر مولوی از انسان کامل.....                           |
| ۱۲۳..... | ویژگی های انسان کامل.....                                |
| ۱۲۴..... | بقای عالم منوط به بقای انسان کامل.....                   |
| ۱۲۷..... | حضور انسان کامل در همه اعصار.....                        |
| ۱۲۸..... | جامعیت انسان کامل در مراتب نبوت، رسالت و ولایت.....      |
| ۱۲۸..... | مرجعیت انسان کامل در هدایت سالکین طریق معرفت.....        |
| ۱۲۹..... | تفاوت سنجی انسان کامل با دیگران.....                     |

- نتیجه گیری فصل سوم..... ۱۳۰
- فصل حقیقی و ما به الامتیاز انسان از سایر موجودات چیست؟ یا ملاک و مناط انسانیت انسان چیست؟..... ۱۳۰
- حقیقت انسانی انسان خاصه از نظر روحی و معنوی آیا تکامل پذیراست یا تکامل ناپذیر؟..... ۱۳۱
- مبدأ و نحوه پیدایش نخستین انسان چگونه بوده است؟..... ۱۳۲
- فصل چهارم انسان شناسی علمی..... ۱۳۵
- تعریف انسان شناسی زیستی..... ۱۳۶
- ارتباط انسان شناسی زیستی با دیرینه شناسی انسانی..... ۱۳۶
- اسلاف داروین..... ۱۳۸
- لینه..... ۱۳۹
- بوفن..... ۱۴۰
- عوامل تأثیرگذار بر تغییرات تکامل ز دیدگاه بوفن..... ۱۴۱
- اراسموس داروین..... ۱۴۲
- لامارک..... ۱۴۳
- خلاصه آراء لامارک..... ۱۴۴
- کوویه و سنت هیلر..... ۱۴۵
- دیدگاه کوویه..... ۱۴۵
- سنت هیلر..... ۱۴۷

|          |                                             |
|----------|---------------------------------------------|
| ۱۴۷..... | سهم اسلاف داروین در تکوین اندیشه او.....    |
| ۱۴۷..... | سهم کوویه.....                              |
| ۱۴۹..... | سهم یوفون.....                              |
| ۱۵۰..... | سهم لامارک.....                             |
| ۱۵۳..... | تأثیر مالتوس و اسپنسر بر اندیشه داروین..... |
| ۱۵۴..... | تأثیر چارلز لایل بر اندیشه داروین.....      |
| ۱۵۵..... | سهم لینت.....                               |
| ۱۵۶..... | منشأ یا بنیاد انسان.....                    |
| ۱۵۶..... | نظریه ادیان.....                            |
| ۱۵۷..... | نظریه علمی.....                             |
| ۱۵۸..... | اصول وارکان تئوری داروین.....               |
| ۱۵۸..... | تأثیر محیط.....                             |
| ۱۵۹..... | تغییرات تصادفی.....                         |
| ۱۵۹..... | تنازع بقا.....                              |
| ۱۶۰..... | اصل استعمال و عدم استعمال.....              |
| ۱۶۰..... | اصل انتقال صفات اکتسابی از طریق وراثت.....  |
| ۱۶۰..... | انتخاب اصلح یا بقای انطباق.....             |
| ۱۶۲..... | مفاهیم تشکیل دهنده نظریه انتخاب طبیعی.....  |
| ۱۶۳..... | پیش فرض های فرضیه داروین.....               |

- ۱۶۳..... اصل علیت
- ۱۶۳..... اصل حرکت
- ۱۶۳..... اصل تبدل تغییرات کمی به کیفی
- ۱۶۴..... اصل بقای ماده و انرژی
- ۱۶۴..... اصل اضداد
- ۱۶۴..... اصل ترکیب
- ۱۶۴..... اصل نفی در نفی
- ۱۶۴..... داروین و تکامل انسان
- ۱۶۵..... منشأ انسان از منظر داروین
- ۱۶۷..... اختلاف نظر داروین با والاس درباره منشأ انسان
- ۱۶۹..... اختلاف داروین با ویسمان درباره منشأ انسان
- ۱۶۹..... فسیلهای پیش از انسان
- ۱۷۴..... انسان و تبدل انواع
- ۱۷۵..... تدریجی بودن پیدایش انسان
- ۱۷۸..... تفاوت انسان با سایر انواع حیوانات از دیدگاه داروین
- ۱۸۰..... ارتباط انسان با میمون های آدم نما
- ۱۸۱..... حلقه مفقوده
- ۱۸۲..... نظریه امروزی درباره تکامل انسان

نتیجه گیری فصل چهارم..... ۱۸۵

فصل حقیقی و ما به الامتیاز انسان از سایر موجودات چیست؟ یا ملاک و مناط انسانیت

انسان چیست؟..... ۱۸۵

حقیقت انسانی انسان خاصه از نظر روحی و معنوی آیا امری تکامل پذیر است یا تکامل

ناپذیر؟..... ۱۸۵

مبدأ و نحوه پیدایش نخستین انسان چگونه بوده است؟..... ۱۸۶

فصل پنجم: مقایسه و نتیجه گیری..... ۱۸۹

انسان از دیدگاه فلسفه، عرفان، علم..... ۱۹۰

انسان شناسی فلسفی..... ۱۹۰

انسان شناسی فلسفی ابن سینا..... ۱۹۱

انسان شناسی عرفانی..... ۱۹۱

انسان شناسی عرفانی مولوی..... ۱۹۲

انسان شناسی علمی..... ۱۹۳

انسان شناسی علمی داروین..... ۱۹۴

فصل حقیقی و ما به الامتیاز انسان از سایر موجودات چیست؟ یا ملاک و مناط انسانیت انسان

چیست؟..... ۱۹۵

حقیقت انسانی انسان خاصه از نظر روحی و معنوی آیا امری تکامل پذیر است یا تکامل ناپذیر؟

..... ۱۹۷

مبدأ و نحوه پیدایش نخستین انسان چگونه بوده است؟..... ۱۹۸

فرجام سخن..... ۲۰۵

۲۰۷.....منابع و مأخذ

۲۰۸.....فهرست کتاب‌ها

۲۲۰.....فهرست مقالات



**A-PDF**

Watermark

www.ketab.ir

## مقدمه

سرآغاز زیست شناسی دانش پر رونق و مترقی - در قرن نوزدهم بود؛ قرنی از فعالیت پویا و بی وقفه لازم آمد تا دانشی پیشرو و کامیاب پدید آید. زیست شناسی مطالعه موجودات زنده، از جمله توصیف و تبیین ساختارها، فرایندهای حیاتی و شیوه تولید مثل آن‌هاست. از عهد یونان باستان موجود زنده پدیده اصلی و مسأله بنیادی، از نظرگاه همه کسانی بود که بررسی و مطالعه موجودات زنده را بر گزیدند. اما به ارگانیسم های گیاهی یا جانوری، از وجوه گوناگون می توان نزدیک شد و تعریف این دسته از گرایش ها و علایق خاص، آموزه های متمایزی را پدید آورد که روش های پژوهشی بدیع و ابتکاری را وارد دانش زیست شناسی کرد و جمع کثیری از دانش پژوهان را در عرصه زیست شناسی پدید آورد. سرشت و سرنوشت زیست شناسی در قرن نوزدهم بدین سیرت و سان بود، و آنرا «زیست شناسی» نخستین بار در حواشی کتابی طبی، چاپ شده به سال ۱۸۰۰، به کار رفت. دو سال بعد، درباره کم و بیش مستقل، در رساله های عامه پسند طبیعت گرای آلمانی، (Gottfried Treviranus) و گیاه شناس و جانور شناس فرانسوی (Jean Babtiste de Lamarch) به کار رفت (P. 1. Coleman).

\* \* \*

آدمی برای شناخت جهان راه‌های متعددی را آزمود. دین، علم، تاریخ، هنر و فلسفه، هر یک نمایانگر تلاشی برای تبیین آدمی و جهان پیرامون او و معلوم کردن شگفتی‌ها و اسرار کائنات است. حتی اندیشه‌های خرافی پیشینیان را هم می‌توان چونان راه‌هایی برای فهم و کنترل طبیعت به شمار آورد. به این ترتیب، انسان‌های اولیه در شناخت طبیعت گام زدند و آن را به خدمت خویش در آوردند. آگاهی آنان بر کارکردهای طبیعت عمدتاً از رهگذر آزمون و خطا کسب شد و به صورت افسانه و اساطیر، از روزگاران پیشین برای ما به یادگار باقی ماند.

زیست‌شناسی مدرن در تبیین موجودات زنده، رهرو و تابع قوانین فیزیکی و شیمیایی است. در گذشته و اینک تا حد کمتری در زمان حاضر، نزاع پر مناقشه‌ای میان مکانیست‌ها در زیست‌شناسی بود که بر این باورند که قانون‌های حاکم بر موجودات زنده با قانون‌های حاکم بر ماده بی‌جان یکی است - و وابستگی‌ها {حیات گرایان} بود که بر این باورند موجودات زنده از ماهیت ویژه‌ای برخوردارند و آن‌ها را نمی‌توان با قانون‌های حاکم بر طبیعت بی‌جان شناسایی کرد. در جریان بود و است. (گاردنر، ۹-۷).

\* \* \*

در پژوهش حاضر، نظر سه اندیشمند، از سه منظر متفاوت، در خصوص انسان‌شناسی، تبیین و تطبیق شده‌اند. از این سه تن، ابن سینا انسان کلی را مطرح می‌کند. مولوی، عارف بلند پایه ایرانی، انسان کامل را مطرح می‌کند و به آدمیان نهیب می‌زند که

امکانات بی شمار دارند و توانند به مدارج عالی انسانی عروج کنند. داروین، به انسان از نظرگاه زیستی می‌نگرد. وی تفاوت انسان و حیوان را ماهوی نمی‌داند بلکه تفاوت آن‌ها را به درجه می‌داند. چون هر سه این نظرگاه‌ها، با یک دیگر متفاوتند. در این پژوهش جهد بلیغ شد، اگر وجه مشابهتی میان این سه تن وجود دارد، نموده گردد و اگر تفاوت و تباین آنان عیان بود، بر آن نیز تصریح شود.

در واقع در این پژوهش، سه قسم انسان شناسی نخست تبیین و توصیف شده‌اند و سپس تطبیق داده شده‌اند. کوشش نویسنده این بوده است که در بررسی هر یک از این اندیشمندان به آثار خودشان و نیز به آثار دست اول و معتبر درباره آنان رجوع شود. اگر خواننده‌ای انسان پژوه از این پژوهش تواند توشه اندوزد، نویسنده خود را کامیاب احساس خواهند کرد..

دکتر علی حقی دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد.

Email: haghi@ferdowsi.um.ac.ir

مآخذ

فارسی

گاردنر، الدون. جی، تاریخ بیولوژی، ج اول، ترجمه علی معصومی و کیوان نریمانی، تهران، انتشارات شباهنگ ۱۳۶۶.  
انگلیسی

Coleman, William, *Biology in the Nineteenth Century* (Problems of Form, Function and Transformation), The Cambridge History of Science Series, Cambridge University Press, Mola-Sadra, s and Tbn Sina, s  
Contingency of Rational Soul. Dr Ali Haghi

## درآمد

سپاس و ستایش معبودی را سزد که آدمی را با تشریف جان کرامت بخشید و با نفخه روح بخش خویش، تاج خلیفه الهی بر سر وی نهاد تا در پرتو تعلیم الهی شناسای نیک و بد باشد و در فضای لایتنامی نفس به پرواز در آید، باشد که در مستی این جلوه روحانی، جرعه نوش وصال و قرب آن یگانه بی همتا گردد. «انسان» را در مقام توصیف اگر «موجود ناشناخته» خوانده‌اند، هرگز سخن به گرافه نگفته‌اند. زیرا آرزوهای پیرامون حقیقت و ماهیت انسان یا آن که تاریخی به بلندای تاریخ حیات او دارد اما نه تنها به شناخت کامل او منتهی نشده، که او را به معمای لاینحل هستی ساخته است.

ناشناخته ماندن ماهیت و به تبع آن قدر و منزلت انسان در هستی سبب شده است تا بسیاری از زوایای دیگر جهان نیز ناشناخته بماند و از رهگذر آن فراز و فرودهای بسیاری حتی در زندگی مادی آدمیان رخ نماید. تردیدی نیست که در راز گشایی از حقیقت انسان «وحی» نقشی بی نظیر و منحصر به خود ایفا نماید و این بدان سبب است که آفرینش گر هستی خود بر همه زوایای جهان و از جمله انسان به نیکی آگاه است و وحی توانایی است او این آگاهی بی پایان که اگر آن گونه که باید مورد توجه و اندیشه ورزی قرار گیرد با همراهی دانش‌های بشری به حل بسیاری از معماهای پیچیده منتهی می گردد.<sup>۱</sup>

هم چنین کرامت انسان و جایگاه رفیع آدمی، در نظام آفرینش از ارکان اندیشه دینی است. در بینش دینی محور خلقت و غایت آفرینش موجودات، انسان است. در چشم انسان متدین که در خلقت آسمان‌ها و زمین تدبیر می‌کند و در همه حالات به یاد خداست، خداوند جهان را عبث و

۱. ر.ک. ابراهیمیان، حسن، انسان شناسی، ص ۱۰.

بیهوده نیافرده است بلکه جهان آفرینش با حکمت و تدبیر الهی در خدمت به انسان بوجود آمده تا او را در حرکت استکمال به کمال نهائی که مقام برحسب الهی است برساند.

اهمیت جایگاه انسان در آفرینش و نیز کرامت و ارزش آدمی در منابع اسلامی به تفصیل تمام آمده است انسان خلیفه خداوند می باشد. هرکس خود را بشناسد، خدای خود را خواهد شناخت و لذا روایت شده: خداوند هیچ کتاب آسمانی را نازل نفرمود مگر آن که در آن تذکر داده ای انسان خودت را بشناس تا خدایت را بشناسی. همین است معنی فرموده خداوند در قرآن کریم: «مَن رَیَهُمْ آیَاتِنَا فِی الْآفَاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّى یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ». (ما نشانه های قدرت خود را در آفاق جهان و نفوس بندگمان روشن می گردانیم تا ظاهر شود که خداوند بر حق است.) بنابراین توجه به انسان و شناسایی وی مسئله ای است که از قدیم الایام مورد توجه مذاهب و مکاتب و فرهنگ های گوناگون بوده است و کمتر سیستم فکری و فلسفی را می توان سراغ گرفت که به گونه ای به شناسایی انسان نپرداخته باشد.

جمله معروف سقراط «خودت را بشناس» که از سقراط نقل شده، اما می توان گفت که با تعبیر دیگر در تفکرات و اندیشه های قبل از «سقراط» وجود داشته، نمایشگر این مسئله است که آدمی نسبت به «خود» و حقیقت وجودی خود همواره بی اعتنا بوده است، و اگر هم بر بعضی از مکاتب فکری ایراد گرفته می شود که به انسان بی توجه بوده اند، این سه به آن معناست که آن مکاتب اصلاً توجه ای به انسان نداشته اند بلکه مراد آن است که از اندیشیدن درباره انسان آن گونه که شایسته مقام آدمی بوده است، خودداری کرده اند.

«انسان» تنها کلمه ای است که همه معانی و مفاهیم را به یک جا دارد و هر کلمه ای در اقصای خود، مفهومی است از مفاهیم بی شمار این کلمه. هر چیز با وجود او می تواند وجود داشته باشد و جدا از او، همه ارزش های خود را از دست بدهد. لفظ با وجود اوست که معنا پیدا می کند و هر صفت با اراده او شریف می باشد، یا بی ارج و ناچیز. علم، ایمان، عرفان و شناخت، مفاهیم یگانه ای

هستند که مصداق جملگی انسان است و همان گونه که هر پدیده با پرتو خورشید، پدیدار می آید و نامی به خود می گیرد، اشیاء و امور نیز در پرتو شناخت انسان است که واقعیت و مفهوم پیدا می کنند.

کلمه انسان چقدر عمیق و چقدر معنی دار است. فقط انسان است که زیبایی های مناظر، کوه های سبز، گل های رنگارنگ، چمنزارهای مستور از ریاحین، افق های بی انتها، آفتاب، ماه، ستارگان، غرش - رعد آسای دریاها، نغمات دلغریب مرغان خوش الحان، خلاصه تمام زیبایی های طبیعت را درک می کند و برای آن ها ارزش قائل می گردد. آن قطعه پهناور از زمین که پای بشر بدان نرسیده است چه فرقی با طفل یتیم و سر به گریبان می تواند داشته باشد؟<sup>۱</sup>

انسان موجودی کاملاً متحول و متکامل است که مراحل مختلفی هم چون جمادی، نباتی و حیوانی را پشت سر گذاشته تا به مرحله بشر رسیده. این انسان می تواند به مرحله بالاتر نیز برود و وارد عالم فرشتگان شود. در اقصای هر چند انسان ظاهراً جهان کوچکی را نمایان می سازد، ولی در حقیقت او جهان بزرگی را تشکیل می دهد که همه جهان ظاهر با آن همه وسعتش در برابر او تنگ و کوچک است که شاید بتوانیم آن را یکی از اصول اساسی انسان شناسی بدانیم.

انسان، هدف عالی آفرینش جهان است. این انسان موجودی محکوم جبر سرنوشت نیست. او علیرغم این که از عرضه قضا و قدر خارج نمی شود با گوهی به نام اختیار می تواند بر همه موانع کمال خویش فائق آید. انسان، کمالش را پیدا می کند به مرحله خلیفه الهی است از طریق رها شدن از خود و فناء خود در خداوند. از همین طریق از عالم حسی نجات می یابد و در عالم روحانی حشر می شود. و از چیزهایی که مربوط به عالم حسی است مانند خشم و شهوت آزاد می شود. همین پیوند اتصال که بین خداوند و انسان هست، به همین مقام خلیفه الهی مربوط می شود.

در واقع در میان همه موجودات تنها انسان است که جامع جمیع صفات الهی است و استعداد وصول به حقیقت آن ها را دارد. از این رو وی را مظهر اسم «الله» دانسته اند. انسان روح هستی و

۱. آی فارابوین، پیدایش انسان و عقاید داروین، ترجمه: عزیز محسنی، ص ۱۴.

واسطه تدبیر جهان و افاضه فیض به جمیع موجودات می باشد. از دیگر امتیازات او از دیگر جانوران،  
قوه تعقل و تفکر اوست.



**A-PDF**

Watermark

www.ketab.ir

## پیش گفتار

در نوشتار حاضر سعی شده است که با توجه به عنوان آن، در قالب بررسی مستقل اندیشه های ابن سینا، مولانا، داروین، در زمینه انسان شناسی، به توصیف و مقایسه انسان شناسی فلسفی با عرفانی و نیز علمی پرداخته شود و نتایجی از آن اخذ گردد. تفاوت نگاه فلسفی و عرفانی و علمی درباره انسان بسیار مهم است. مسئله ما در این کتاب همین است.

در واقع برای این که بدانیم این سه نگاه چه تفاوت هایی با یکدیگر دارند و برای این که تجربه ای در این زمینه داشته باشیم، به مقایسه دیدگاه های سه متفکر مذکور پرداخته ایم، و می خواهیم بدانیم هریک از این متفکرین چه تصویری از انسان و ماهیت او دارند؟ و انسان را چگونه موجودی می بینند؟ هم چنین در بابیم که این متفکرین فصل حقیقی و مابه الامتیاز انسان از سایر موجودات را یا به عبارتی دیگر ملاک و مناط انسانیت انسان را چه چیزی می دانند؟ آیا در پاسخ به این سوال اشتراکاتی دارند یا خیر؟ در این نوشتار هدف بر این است که بنابر دیدگاه این متفکرین بدانیم که آیا حقیقت انسانی انسان خاصه از نظر روحی و معنوی امری تکامل پذیر است یا تکامل ناپذیر؟ حتی آیا دیدگاه تحول گرانه مولوی با دیدگاه داروین متفاوت می باشد یا خیر؟

آیا راجع به نفس و مبدأ آن، ابن سینا و مولانا نظراتی مشابه دارند؟ یا اینکه این نظرات با یکدیگر تفاوت دارد؟ سرانجام این که سعی بر آن شده است که مبدأ و نحوه پیدایش نخستین انسان را از دیدگاه این متفکرین بررسی نموده و جنبه های افتراق و اشتراک آن ها را دریابیم. اما قبل از آن لازم است که بدانیم انسان پیش از آن که دارای ماهیتی خاص باشد، نوعی نحوه بودن و نوعی رابطه با مطلق است. تنها در پرتو این امر است که می توان وجود او را تعریف کرد.

این نحوه نگریستن به انسان در اندیشه عرفانی انسان کامل مجال ظهور می یابد. پس عرفا به انسان کامل یا آرمانی وابستگی دارند. یعنی انسان چنان که باید. از نظر مولانا انسان موجودی با

ارزش و با عظمت است. در میان موجودات جهان آفرینش، موجودی یگانه و فرد است. هر آن چه در عالم ملک و ملکوت وجود دارد در نهاد انسان موجود است. عظمت انسان تا آن جاست که موجودات جهان آفرینش هر اندازه هم که بزرگ باشند در مقابل انسان ناچیز و مسخر می شوند.

اما فلاسفه به حقیقت کلی انسان می پردازند. به تعبیری به انسان در مقام تعریف و هست سرو کار دارند. ابن سینا انسان را از اول تا آخر موجودی ثابت و بدون تغییر می داند. بنابراین او قائل به دگرگونی انسان نیست و معتقد است که نفس مجرد متعلق به بدن است. کمال نفس را به قوه نظری می داند نه علمی. مابه الامتیاز انسان را قوه نظری یا نفس ناطقه می داند.

در انسان شناسی علمی به انسان چنان که هست پرداخته می شود یعنی انسان در مقام تحقق. بنابراین داروین اختلافات انسان و حیوان را چه از لحاظ جسمی و چه از لحاظ روانی کمی می دانست و معتقد بود که هیچ تفاوت کیفی بین آدمی و جانوران نیست او انسان را مشمول جریان تکامل پیوسته دنیای جانداران می دانست.

فصول این کتاب به طور خلاصه مشتمل بر بحث هایی می باشد که عبارتند از فصل اول: کلیات. فصل دوم: انسان شناسی فلسفی ابن سینا. فصل سوم: انسان شناسی عرفانی مولوی. فصل چهارم: انسان شناسی علمی داروین. بالاخره فصل پنجم: مقایسه و نتیجه گیری.

بنابراین در این نوشتار سعی بر آن شده است که پس از بیان کلیات، بررسی انسان از دیدگاه ابن سینا پرداخته شود در این فصل پس از بیان تعریف و ماهیت نفس به اثبات وجود آن پرداخته و سپس مباحثی هم چون: تجرد نفس، حدوث نفس، جوهریت نفس، مراتب نفس، و ارتباط نفس با بدن را بررسی و بیان نموده ایم. در فصل انسان شناسی مولوی، پس از بررسی چیستی انسان در عرفان، به بیان انسان شناسی از دیدگاه مولوی پرداخته و لازم دانسته شده که در این مبحث هم چنین به حقیقت انسان و خلقت و جایگاه او در نظام آفرینش و مقام والای انسان توجه شود. چرا که این مباحث نیز در عرفان مولوی از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشند. سپس انسان کامل را از دیدگاه مولوی بیان نموده ایم.

در فصل انسان شناسی از دیدگاه داروین سعی بر آن شده است که پس از بیان انسان شناسی زیستی و تعریف آن، به بیان اسلاف داروین و سهم هر کدام از آن‌ها در تکوین اندیشه‌های داروین پرداخته شود. سپس اصول و ارکان تئوری داروین و پیش فرض‌های آن را بیان نموده‌ایم. هم چنین گفتاری نیز در ارتباط با فسیل‌های پیش از انسان و تدریجی بودن پیدایش انسان و عوامل تکامل آن آورده شده است. سپس نظریه امروزی درباره تکامل انسان را بیان کرده‌ایم.

بالاخره در فصل پنجم، یعنی آخرین فصل که مقایسه و نتیجه گیری می‌باشد، به مقایسه و بررسی و سپس نتیجه گیری دیدگاه‌های ابن سینا، مولوی، داروین، در پاسخ به سؤالات مطرح شده در این نوشتار می‌پردازیم. در این جا بر خود لازم می‌دانم از محبت‌ها و الطاف بی دریغ اساتید ارجمند جناب آقای دکتر حقی و دکتر مسعودی و دکتر جوارشکیان و دکتر علی یوسفی که راهنمایی و تشویقشان موجب بر تسریع در تصنیف این کتاب بود، صمیمانه تشکر و سپاسگزاری نمایم و درخشندگی بیش از پیش این برگزافان را در اجتماع جهت روشن شدن راه هموعان از ایزد متعال مسئلت دارم. لذا با همه واقعیت‌هایی که در تدوین این اثر و رعایت جوانب آن بعمل آمده شک نیست که محصول آن ناقص و محدود است. امید است اگر این تلاش در پیشگاه خداوند متعال خدمتی بحساب می‌آید، اولاً مورد قبول درگاه او واقع گردد. ثانیاً خوانندگان محترم را سودمند افتد. متواضعانه از مطالعه کنندگان این اثر در خواست دارم در صورت اشتباه و لغزش، برای اقدام به اصلاحات بعدی بنده را مطلع فرمایند. کبری مشایخی

Email: mashayekh5@yahoo.com